

آیا این مجلس و این دولت برای این ملتند

آیا با تصویب لوایح دولت، رفاه ملت تامین است ؟



آیا این نمایندگان بفکر ملتند و برای این مردم کار میکنند ؟



در این کشمکش سر انجام این ملت گرسنه و بی نان چه خواهد شد ؟

بیچاره مردم

دیگران عین نعمت آنان است، زیرا اگر مردم بیچاره، کور، کچل، بیسواد نباشند، که تشخیص و تعیینی برای آنان دست نمیدهد و کسانی که در عصر اتم بخواندن و نوشتن چندسطر زبان مادری خود عاجزند معذک در این کشور گرفتار هزار گونه عقب افتادگی، کرسی پارلمان را اشغال میکنند. تا ملت بایندرجه از انحطاط نباشد مقصودشان نمیرسند اگر رویت مردن و بیچاره شدن مردم نزد بسیاری از علاقمندان بهمنوع از مردن خود انسان مشکلتراست برای کسانی که تا مردم بیچاره و نادان نباشند میدانی بدست آنان نیاید از هر لذتی لذت بخش تراست، اینان اگر به بینند که مردم از نداشتن مواد اولیه زندگی جان میسپارند بدون کمترین اندیشه بحال زار مردم مجلس جشن رقص تشکیل میدهند و بشکرانه نعمت ملت و نعمتی که از فناء مردم عایدشان شده است مه پیکران خود را بهم تعارف کرده گاهی با این دمی با آن هم آغوش شده فرق سر تا ناخن پارا از شادی بحرکت در میآورند، زیرا حیات خود را برعکس سایر ملل راقیه که درحیات دیگران میدانند آنها در ممات مردم تشخیص کرده اند.

مفهوم بیان ما در بیان عمل این دسته از مردم که اغلب آنها وکالت مجلس راهم خریداری کرده اند البته این نخواهد بود که دیگران مثلا هیئت دولت از قماش غیر این قماشند و آنها در این سر نوشت شوم مردم شرکتی ندارند بلکه آنان نیز بان اندازه که ساعیند آراء موافق جمع کنند سعی برای بسامان آوردن اوضاع نابسامان و آشفته مردم ندارند

الان در مجلس ما و دولت ما گذشته از مدعیان دیگر کسانی هستند که روزی خود را مامدار

چندروز جریان استیضاح دولت را بعشتم خود دیدیم و آنچه را که میپنداشتیم برای العین مشاهده کردیم که آنچه ملک و ملت برای حفظ حیات خود محتاج بدان میباشد چیزی و آنچه را که مطرح بحث میان وزرا و و کلاست چیز دیگر آنچه که ملت برای دست رسی بآن ضجه و فریاد میزند و حیات گذران خود را وابسته بدانها میدانند آب است و نان است و مسکن و آنچه که و کلاسی ملت! سنگش را بسینه میزنند جواز است و ارز است و حق حکمت و عزل و نصب رفقا و اقوامشان جریان استیضاح این حقایق را کاملا بر ما معلوم و مسلم ساخت، زیرا همه اعتراض داشتند که چرا از بفلان داده شده و بفلان داده نشده است، آن شخص را چرا عزل کردید و دیگری را بجای او منصوب ساختید و اگر گاهی هم از نان و گوشت شهر سخن بمیان میآید آنهم از اینجهت بوده است که خود و کلاء نیز بهتر و بیشترش را برای مصرف روزانه لازم دارند علاوه کسی که دنبال بهانه میگردد بجهت از آشفتنکی اوضاع استفاده نکند بهترین دلیل بر صحت مدعای ما اینستکه در این یکم هفته استیضاح از دهن هیچ و کیل موافق و مخالف دولت بیرون نیامد، که چرا تاکنون آب آشامیدنی مردم را لوله کشی نکرده اید؟ چرا میگزارید رودخانه ها بشکم دریاها ریزند و در این کشور بی آب و علف سدی نمی بندید و زمین بایری را دایر نمیسازید. برای چه از این قبیل سخنان در این چندروزه استیضاح میان وزراء و و کلاء رد و بدل نشد؟ • برای اینکه آنان گلیم خود را از موج بدر برده و بکام دل رسیده اند و آبها و قناتها از راه ریختن آبروی ملک و ملت بدست آورده اند چه غم از اینکه بر دیگران چه میگذرد بلکه نعمت

خطا باز شناسند از ترس اینکه مبادا بنام دیگری تمام شود از خود اثر وجودی که موثر در بهبود اوضاع و احوال باشد ابراز نمایند، و فکر آنها باین درجه از ترقی و تعالی نرسیده است که خود خواهی را مانند سایر رجال دنیا و زعمای اقوام درخواست مصالح ملت دانسته و عمل کنند تا در نتیجه صیت شهرتشان آفاق و اکاف را فرا گرفته و بگوش عالمیان برسد.

باین طرز فکر، باین ضیق نظر جای تعجب نیست که زاری مردم را بشنوند. ولی آنان قهقهه سردهند یا خود مزید بر علت شده مستقیم و غیر مستقیم موجبات بدبختی را تشدید کرده دامن زنند مگر کسی که بر سر کار است رسوا گردد و میدان عمل و ناخستی برای او پدید آید بالا اقل اگر مردم بدیده تحقیر با نان مینگریسته اند اینقدر بستوه آیند که بر کفن دزد اولی رحمت فرستند و از این راه تبرئه گردند

باین وضع، ملت چه باید بکند بممانند بمقال دیگر

کشور بوده اند و هر يك بتنهائی خود را قادر میدیده - اند که کشور را اداره کنند و زندگی توأم با رفاهی برای مردم درست نمایند چطور شده که الان با اجتماع چندتن از آنان در مجلس و هیئت دولت هرروزه وضع را بدتر می بینیم؟

موضوع از دو حال بیرون نیست، یا اینکه در همانموقع هم آنان کاری را انجام نمیداده و در بس آینه طوطی صفت بوده اند و کارها، خوب یا بد بوسیله کارگردانان دیگر انجام مییافته است یا واقعاً خالی از هنری نیستند ولی از آنجا که رجال درجه اول ما هم شجاعت و شهامت اخلاقی ندارند هر چند هم سیاستمدار زبر دستی باشند تربیت اخلاقی و اجتماعی کافی نیافته و حالت ملکوتی ارواح آنها بر حالات شیطنانی غالب نگشته است فیلسوفانه و حکیمانه خیرخواه مردم نیستند و نمیتوانند خود را کنترل نمایند که خوب را برای خوبی انجام دهند و از بد برای اینکه بد است پرهیزند و خودخواهی و غرور آنها از حد فزون است اگر کاریهم از دستشان بر آید یارای صواب را از طریق

قابل توجه

اعلامیه کارمندان اقتصادی وزارت دارائی

اعلامیه ای از طرف کارمندان اقتصادی وزارت دارائی (مشمول ماده ۷ از تصویب نامه ۲۲ ماده ای) با دازه مجله رسیده که خطاب بمقام سلطنت - علماء عظام - نمایندگان مجلس - آقایان نخست وزیر و آقایان وزراء می باشد و در آن نسبت به تبعیض در اشتغال و انتصاب مجدد مشمولین ماده ۷ که با دریافت چند ماه حقوق خود از کار برکنار شده بودند دادخواهی شده

ما بدین وسیله توجه اولیاء امور و متصدیان مربوطه را به شکایت مزبور مطوف داشته و در ایتمورد دستور مقتضی و اقدام موثر آنها را خواستاریم

نگارش آقای ابوالقاسم سبحان

وحدت ملل اسلامی

(۲)

و ضرر نفاق و اختلاف

بقلم آقای دکتر شریف رازی

دستورهای

بهداشتی

از کشیدن سیگار - چپق - قلیان - تریاک
و کلیه مواد مخدره جداً احتراز کنید :

اگر هم عادت کرده‌اید با مراجعه بطیب
ترك نمائید تا دوران عمر طبیعی را بسلامتی و شادمانی
پایان رسانید ؟

درد دندان - در موقعیکه دندان شما بشدت
درد میگیرد و از هر دوائی مایوس میشوید و
بطیب هم دسترستی ندارید فوراً در قطره لودانم
به بنبه زده بسورخ دندان بگذارید اگر دندان
سورخ نشده بدور لثه دندان بمالید بلادرنگ ساکت
میشود .

رفع ریزش موی سر - شبی کسه فردا
میخواهید بجمام بروید دوی زیر را بسروبن -
موها بمالید .

روغن نارگیل ۲۵ گرم روغن زیتون ۲۵
گرم اسانس ملیس ۵ گرم .

اگر بموی سر خود علاقمند هستید هرگز
سر خود را باصابون نشوئید .

.....
بارای دوستان موافقت با نظر فقیران
مراقت و باعمل دشمنان مدارا کن تا همه ترادوست
داشته باشند .

مردم آزاری مکن و بزبان و ضرر کسی
راضی مشو

معدلك ما می بینیم مسلمین جاوه مثل اساده
ترین تعلیمات اسلامی را بیخبر بوده و اغلب مردم
آنجا مسلمان بالفطره می باشند و ما بین ایشان
کسی نیست که احکام دین را بآنها یاد داده یا ایشان
را بامور دین خود بصیر و بینا سازند یا اینکه در
این شدائد و گرفتاری که از مردم بیگانه و دشمنان
اسلام بآنها روی آورده کسی از ایشان پرسش
حالی کند و یا اظهار همدردی و کمک و دستیاری
بنماید همینطور در هندو صومالی و حبشه و سایر بلاد
و نواحی ملیون ها مسلمان زندگی میکنند که فقرو
فاقه و جهل و نادانی ایشان را بجانب محو و فنا
میکشاند و شنیده نشده است جمعیت های اسلامی که
امروزه در هر جای از کشور مسلمین اجتماعی و
مجامعی دارند از ایشان دستی بجانب آن بیچارگان
دراز شده باشد یا کمک و مساعدتی نسبت بایشان
عمل آمده باشد و نیز دیده یا خوانده یا شنیده
نشده که یکی یا دو نفر مبلغ دینی برای هدایت و
راهنمایی و ارشاد این مردم عوام که اسلام فطری
دارند از طرف مراجع دینی اعزام شده باشد در
صورتیکه ما می بینیم مسیحیان در راه تبلیغ خود چه
کوشش ها میکنند و چه پولها مصرف مینمایند و
نمایندگان و مبلغین ایشان چگونه در تمام نواحی
و دیار و دور دست ترین حدود قطبی و غیره برای امر
تبلیغ فداکاری و رهسپاری نموده و بانواع وسایل
برای نشر دین و بسط تعلیمات مذهبی خود میکوشند
آیا این غفلت و خواب آلودگی مسلمین
چه نتیجه سوئی را در پی داشته باشد و روزگار
آینده آنها را بکجا بکشاند معلوم نیست !!

اساس عقیده کمونیست

بقلم آقای سید محمد باقر حجازی مدیر محترم روزنامه وظیفه

مادیون اقتصادی

- ۳ -

مقالات انتقادی که در مجله شرق بیدار منتشر میگردد بخصوص آنهایی

که نسبت بمسالک اظهار نظر میکنند فط بمنظور بیداری مردم است و

مجله نسبت بمندرجات آنها کاملا بیطرف است؛ بهمین جهت مقالاتی که با

بیان منطقی در رد آنها برسد باکمال میل درج میگردد و هیئت تحریریه امیدوار است

که بتواند مجله شرق بیدار را میدان حل و عقد عقاید گوناگون

فرار دهد تا از تضادم افکار برقی حقیقت جستن کند و مردم را در

در پرتو خود راهنما گردد

ناگزیر باید موضوع را از هر حیث مورد مطالعه و رسیدگی قرارداد.

مسائل اجتماعی هم هنوز تابع نظامات مسلمه نشده بدان معنی که قوانین ثابت آن کشف نگشته و اسرار تحولات و تغییرات چنانچه باید مورد نظر بشر قرار نگرفته.

امروز توجه ما باین است که آیا این طریقه کافی برای تامین رفاه بشر هست یا نه و بطور کلی قابل اجرا و ادامه میباشد؟

شکایت از فقر از قدیم بود هر فقیر و هر مرد حساس از فقر متاثر و ناراضی است.

اولین توجهی که حاصل شده اینست که فقر خودش علت نیست بلکه امر عارضی است. و علت آن عدم تقسیم اموال بطور تساویست.

و در ایران نمونه های زیادی از رجال و سرمایه داران متعددی داریم که خود را پیشقراول حامیان ضعفا میدانند. لذا بطور کلی دلسوزی ها حقیقی نبوده و دواعی حقیقت را در بر ندارد و بجائی نمیرسند و هنوز هم توده های عظیم بشر خواب بوده و این حقیقت را نیافته اند و دشمن و دوست و متعددی بحقوق و حامی خود را کمتر تشخیص می دهند.

در عین حال افرادی هم بودند که حساس بوده و در واقع از این وضع متاثر و در پی چاره جوئی هستند و اشکال امر اینست که فکر کردن راه چاره کار آسانی نبوده و این مسئله باین سادگی نیست و بزودی نمیتوانستند بفهمند که چه باید کرد.

آنچه از جریان روز میفهمیم بابتی نظری

داخـله

کاملاً صحیح و بجای بوده است . امروز در بیشتر ممالک دنیا دانشگاه-ها محیط حل و عقد افکار و عقاید علمی و اجتماعی است در دانشکده دانشجو به مرحله بلوغ علمی میرسد و محقق میشود و وظیفه فرهنگی و اجتماعی اوست تا در اطراف مسائل و قضایائی که بزنگی و اجتماع او بستگی دارند تحقیق و تجسس کند .

اعتراض عده ای از آقایان نمایندگان در این مورد در اثر سوء تعبیر بیانات آقای دکتر سیاسی بوده در غیر این صورت شاید جریان زرد و بنفشه و بازیگری برای استعفای آقای دکتر سیاسی بوده باشد تا در ترمیم کابینه دیگری وزیر یا کفیل آن وزارتخانه گردد

» «

در عصر روز یکشنبه هفته گذشته بار دیگر جلسه مطبوعاتی بدعوت آقای میر اشرافی مدیر روز نامه آتش در هتل فردوسی تشکیل گردید و از طرف عده مدیران و نویسندگان جراید و نمایندگان مجلس شورای ملی بیاناتی در خصوص تشکیل کمیته مطبوعاتی و جنبه مشترک برای مبارزه با دیکتاری و رفع خطر یکبارگی این روزها آزادی را تهدید میکند بعمل آمد و تصمیماتی گرفته شد

شرق بیدار - ما همچنانکه عملاً پیوستگی خود را باین کمیته اعلام داشتیم معتقدیم که وظیفه مطبوعات است تا ملت را بموقع بیدار و هوشیار سازد - ملت هم جز این انتظاری از جراتدندان در مورد تغییر ماده ۴۹ قانون مطبوعات

در جلسه علنی مجلس شورای ملی صبح روز پنجشنبه دوم اردیبهشت ماه جاری اعتبار یکدوازدهم بودجه مطرح و پس از مذاکرات چند تن از آقایان نمایندگان تصویب آن بجلسه شنبه موکول گردید در جلسه صبح روز شنبه هفته گذشته لایحه یکدوازدهم بانضمام سه تبصره تصویب شد .

شرق بیدار - یکی از وظائف اصلی مجلس شورای ملی نظارت در جمع و خرج کشور و تصحیح و تصویب بودجه مالی است - همه میدانیم این امر بخصوص برای این مملکت فقیر که اوضاع مالی آن از هم گسیخته شده تا چه اندازه فوری و ضروری مینماید معیناً از اول این دوره تقنینیه آقایان نمایندگان وقت مجلس را بمجادله و خصومت بایکدیگر و معارضه اغراض شخصی و یکسخت حرفهائی که نه درد ملت بیچاره را دوا میکنند و نه شایسته شئون مجلس است میگذرانند - آخر کار پس از آنکه چندین روز حقوق کارمند بینوا که ناله و آه در بساط ندارد بتأخیر انجامید بعد و خرج افتاده لایحه بودجه را بصورت یکدوازدهم و چند دوازدهم تصویب مینمایند

در جلسه روز شنبه بعلمت باره مذاکرات نمایندگان، مجلس دچار تشنج و کشمکش و نزاع شد و نطق آقای دکتر سیاسی وزیر فرهنگ و مهمه عده ای از نمایندگان منجر بتعطیل جلسه گردید .

متعاقب همین حادثه بود که آقای دکتر سیاسی از وزارت استعفا دادند .

بعقیده ما بیانات آقای دکتر سیاسی در مورد دخالت قوای نظمی در دانشگاه و استقلال دانشجویان

بقلم : آقای ابراهیم مصری

اقتباس و نگارش آقای صادق نشأت .

کنترل نفس

زمان نفس را چگونه باید بدست گرفت ! و روحیات خود را چگونه باید اداره نمود ؟

بیمار است و چنین کسی هیچگاه بآرزوی خود نائل نخواهد گشت .

زیرا حصول موفقیت قطعی مستلزم اراده و عزم تزلزل ناپذیر است .

۶ - ذهن اطفال چندان رغبتی بامور معنوی و تصورات منطقی ندارد و بر عکس بتقش و نگارها و تصاویر شوق مفرطی ظاهر می سازد .

و این تمایلات مولود وضع مزاجی آنهاست که نمیتوانند در تصور قضایای عقلی و منطقی حوصله بخرج دهند پس باید آنها را بنحوی راه برد و خصوصیات را طوری بآنها حالی نمود که با سلیقه و عقل ساده آنها تناسب داشته باشد و احساسات آنها را حرکت بدهد .

۷ - شخص ضعیف عامل اصلی موفقیت را بخت و اقبال مینداند .

ولی شخص قوی این عقیده را بی پای و سر حقیقی توفیق را وجود مقتضیات و فراهم شدن اسباب میداند .

۸ - هنگامی که حیوان باشتهای خود از خوردن و خوراک و راحتی هیرسد قانع میگردد و طبعاً خرسند میشود ولی انسان چنین نیست بهر آرزویی نائل شود .

باز هم مایل است بآرزوهای دیگر و هدف های دورتر و بزرگتری برسد .
و همین نکته سر اصلی امتیاز انسان بر حیوان است

بقیه دارد

۱ - هر وقت تنها در محل مغللاً بطبعی قرار گرفتی بکوش که افکارت از روی انتظام صحیح و بسوی هدف پا برجا و معینی سیر نماید .

هر گاه با کسان و نزدیکان خود محشور بشوی در آن هنگام مواظب باش که استقامت طبع و سلامت ذوق را از دست ندهی و چنانچه در مجمع عام و محفل مختلطی حضور بهم رسانی در آنحال دقت کن که در گفتار خویش بخطانروی

۲ - خواب هم مانند خاموشی انسان را نیرومند میسازد .

چیزی که هست خواب نیروی بدن را تقویت میکند و خاموشی به نیروی خود میافزاید

۳ - تسلط بر نفس عامل اصلی اخلاق عالیه است .

بنابر این باید بکوشیم که این ملکه در وجود ما تقویت شود و سریعترین راه وصول باین مقصود - تمرکز حواس و اختیار هدف ثابت میباشد .

۴ - کسانی یافت میشوند که همیشه گرفتار غصه ها و تالانات دیروز یا امروز یا بیم و هراس از پیش آمد های فزاینده هستند اینها بیچارگانی میباشند که دیرباز زود عفریت زندگانی آنان را شکار و معدوم خواهد ساخت

۵ - شخصی که با تردید یا خوف و واهمه اقدام بکاری میکند بدون شکر



غزل

گویا که در این شهر کسی فکر کسی نیست
 در روز مگر شهنو در شب عسسی نیست
 غیر از رخ زیبای تو دیدن هوسی نیست
 چونست ندانم که اثر در نفسی نیست
 در عرصه سیمرخ مجال مگسی نیست
 شایسته گل صحبت هر خار و خسی نیست
 یعنی که در آنجاره هر بوالهوسی نیست
 گوئی که در این قافله بانگ جرسی نیست
 شادم بهمین قدر که از عمر بسی نیست

من نالم و بر ناله من داد رسی نیست
 مردم همه از چشم تو مستند شب و روز
 در هر دو جهان خاطر غمدیده مارا
 هر شب بدعا وصل تو خواهیم و نیایم
 آنجا که تو ای کس نبرد نام من آری
 کو تاه کن از دامن خود دست رقیبان
 راه هوس از چار طرف سوی تو بسته است
 دادیم بسی گوش و صدائی نشنیدیم
 از عمر ضیائی که بود حاصل او غم

{ از مرحوم حکیم دانشمند سید علی (ضیائی) بهبهانی
 متوفی بسال ۱۴۰۷ }

اثر: لرد با پرون

ترجمه: ش - شهناز

- به تو -

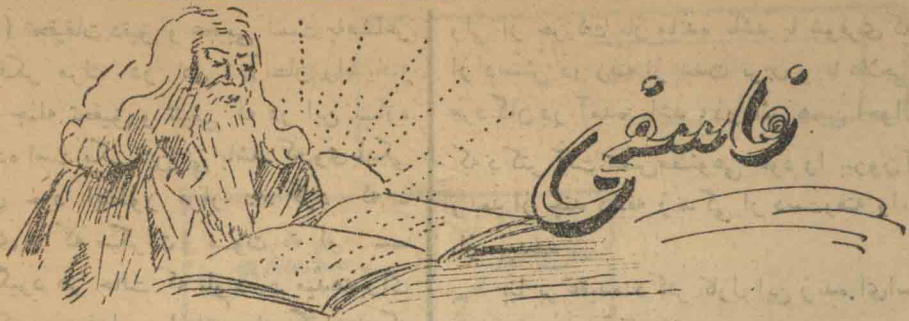
با گذشت روزگار آن ساعتی فرا رسیده
 است که باید خواه و نا خواه مرا ترك نمایی •
 ایام فرح بخش زندگی ما پایان رسیده و
 این ضربه جانگداز... ای دختر من همه چیز را تمام
 خواهد کرد • بقیه در صفحه ۱۹

بانکه عاشق است

از عاقل :

من عاشق بودم ..

آن روز برایم همه چیز آیاتی از عشق
 بود، بنداشتم عشق چون شمع فروزان نور افشانی
 میکند؛ چون اخگر سرخ حرارت میبخشد؛ و چون
 آب حیات عمر جاودان میدهد •
 چه نیک اندیشه ای بود • بقیه در صفحه ۲۰



ترجمه و نگارش

-۴-

در مرگ سبب ترسی نیست

از مستر هوارد بیری - رئیس هیئت تحریریه مجله طبی

بنسبوانی

کسانی که با مرگ دست بگریبان گشته اند و کسانی که تادم مرگ رسیده نجات یافته اند همه میگویند

که آخرین لحظات حیات خالی از هرگونه درد و المی است

~~~~~

داشتم که آیا زنده ام یا مرده فقط بیش از اندازه احساس درد و الم می کردم و با خود می گفتم نزدیک است که بتوانم راحت بخوابم.

کسانی که من باب مثال ذکر کردیم اشخاصی هستند که از مرگ نجات یافته اند تا داستان خود را برای ما باز گویند

فقط باید دانست آنانکه رفته و بر نگشته اند چه دیده اند؟

جماعتی از دانشمندان عقیده ۱۲۲۹ نفر

از فضائی را که در این باره سخن گفته اند مورد مطالعه و دقت قرار داده اند و در هر ۶۰ عقیده فقط یک عقیده را دیده اند که دلالت بر شعور بدرد و ترس دارد اما ۹۵ در صد عقاید دیگر حاکی از عدم اعتنا بحیات است.

دکتر ادوارد هاموند کلارک در کتاب خود

پروس بر تن که یکی از نویسندگان مشهور است مشاهدات خود را نسبت به پیرمردیکه در یکی شفاخانه ها نزدیک بمرگ بود چنین نقل می کند، هنگامی که عفريت مرگ بر آن پیر مرد سایه افکنده بود، و اطراف او را پزشکان و پرستاران احاطه کرده بودند و دست او را مانند غریقیکه می خواهند نجاتش دهند در دست داشتند و نمی دانستند زنده است یا مرده؛ پس از مدتی سایه مرگ بیگسو رفته و آن شخص زندگی از سر گرفت پس از مدتی پروس از آن شخص این سؤال را می کند:

« اطباء همه می گفتند که تو بر پرتگاه مرگ بودی! در آن حال خود را چگونه میدیدی و چه حس میکردی؟ »

وی اینطور جواب میدهد:

« هیچ اصلاً نه میفهمیدم و نه توجه و اعتنائی

ولی از حرکت باز مانده باشد یا شوفری که ترمز از دستش در رفته از شدت ترس و نا علاجی بقیافه مردگان در آمده باشد ، در مثل همین احوال است که دکتر آلت تنفس مصنوعی خود را بیرون آورده و بعد از چند دقیقه زندگی از دست رفته را بانسان باز میدهد

بنا بر عقیده دکتر کارل این زنده ای است که بصورت مرده در آمده است .

صحیح هم هست که اطلاق مرده بر اینگونه اشخاص کنیم زیرا شعور دیدن آنها کاملاً از کار افتاده است .

و فرق میان دسته ای که بعد از تنفس مصنوعی دو باره زندگی را از سر میگیرند و آنان که هیچگونه دمی در وجود سرد آنان اثر نمیکند همینست که در این دسته دوم اعضاء رئیسه حتی استعداد کار کردن خود را هم از دست داده اند

و کسانی از مرگ غرق نجات یافته اند و داستان خود را نقل میکنند همیشه میگویند که ما پس از رنج تلاش برای نجات هیچ درد و المی را حس نکرده ایم زیرا دنبال آن تلاش بکراحتی مانند آسایش کسی که بخواب رفته است برای ما دست داد .

آلس یکی از نویسندگان انگلیسی پس از آنکه از غرق نجات یافته است در باره خود چنین نوشته است :

« چنین تصور می کنم که من یکبار مرگ را بچشم خود دیده ام و بهمین جهت مردن هیچگونه ابهتی در نظر من ندارد و من هم هیچ اعتنائی باو نمی کنم و موت جز بخواب رفتن که در حقیقت نجات از آلام است چیز دیگری نمی باشد در مرگ هیچگونه آزاری که عرصه بر آدمی تنگ کند نیست و هر رنج و مشقتی هست بقیه در صفحه ۱۵

( رویاها ) تحقیقات دقیق و عجیبی نسبت به مشاعر کسانیکه فکر مرگ در دل آنان راه یافته دارد . از جمله تحقیق و تتبعی که در این باره بعمل آورده است یکی این می باشد که وی بایکی از مرضای خود اینطور قرار داد کرد که - همینطوری که سكرات موت او - را فرا میگیرد هر حالت که باو دست میدهد برای وی نقل کند ؛ و قرار و اتفاق بر این گذاشتند که روش آنها در تفهیم و تفهم حرکت انگشتان باشد برای اینکه هر گاه زبان از کار افتاد با حرکات دست بتواند جواب سئوالهای دکتر را بدهد و همین که بیهوش و کابوس مرگ او را فرا گرفت و نفس های آخر در آمد و رفت بودند دکتر از او پرسید آیا حس درد ورنشی میکنی با اشاره جواب داد ( نه ) .

دکتر کارل معتقد است که مرگ یکمرتبه و ناگهان نازل نمیگردد ، بلکه موت دارای دو مرحله است :

یکی موت عام یا مرگ موجود زنده و مرگ خاص یا مردن اعضاء . موت عام با آخرین ضرب قلب عارض می گردد در اینصورت تمام اعضاء یکی بعد از دیگری بتدریج با فاصله کم از کار می افتند و در چند لحظه بسیار کم هم عقل از بین می رود اما مرگ کلیه اعضاء شاید یکساعت یا بیشتر طول بکشد .

ویکتور کارل مرحله اول را ( مرگ رجعت ) می نامد زیرا درینحال ممکن است با اقدام سریع و اساسی در صورتیکه بنیان اعضاء رئیسه بواسطه امراض دیگر متلاشی شده باشد جان رفته دو باره بقالب مشتاق حیات آید و مرحله دوم را ( مرگ همیشگی ) می نامد یعنی زوالی که بعد از آن حیاتی نخواهد بود .

مانند غریق که او را نجات داده باشند

پنم دکتر اسداله شریف رازی

س ( ۳ )

## خاطرات عشق

### دوران زندگی عاشقان دلخون

وارد نیست ولی من تو محصلیم مطمئناً اینطور  
ها نیستیم .

مینای عزیزم - دوست همکلاس من - هم عهد  
و پیمان من باور کن من پندهای آن کتاب را حفظ  
کرده ام برای آنکه معایب خود را تصفیه کنم و هرگز  
دنبال کارهای بد و ناپسند نروم : خوب باشم تا  
از دنیا خوبی به بینیم . با ادب شویم تا همه مردم  
بما با ادب و مهربان باشند .

فرشته که از همشآگردیها و هم کلاسی پروانه  
و مینا بود در عقب سر آنها میآمد گوش بزیک  
بود که سراز کار آنها در بیاورد . چون حرفها و  
صحبتهای آنها را می شنید یک دفعه برید میان پروانه و  
مینا گفت ای ناقلاها شما چه میگفتید و چه عهد می  
بستید منمهم شریکم حاضرم باشما عهد و پیمان به بندم  
پروانه : مینا : هر سه دست رفاقت دادند : مانند سه  
خواهر جان در یک قالب هر روز بمدرسه میرفتند  
و میآمدند درسهایشان را با هم حاضر میکردند حتی  
بغضای یکدیگر رفت و آمد پیدا کردند : باهم دلگرم  
و مهربان بودند : در امتحان هم هر سه شاگرد اول  
شدند .

راستی راستی اتحاد و یگانگی : صمیمیت و دوستی  
چه درخت پر ثمر و چه جواهر گرانبهائی است که  
قیمت ندارد .

بقیه در صفحه ۱۴

و تو صاف - پاک - بی آرایش و مورد توجه پروردگار  
است کسانی که گناه کارند و کارهای خلاف و خطا  
از آنها سر میزند بغضب خدا گرفتار میشوند من  
و تو که معصوم و بیگناه هستیم دیگر چه ترسی  
داریم .

مینا - خوب حالا که دست دادیم - عهد بستیم  
باشد تا روز امتحان محک تجزیه پیمان آید آنوقت  
حقیقت و راستی هر کس معلوم میشود منکه بخدا  
قلبم با تو یکی است اما از قلب تو خسر ندارم .  
پروانه - بجان مادرم منمهم با تو همیشه طور هستم  
تربیت پدر و مادری من آنطورها که تو خیال میکنی  
نیست بلی کسانی هستند که وقتی سری توی  
سرها در میآورند ! ترقی میکنند ! دوستان خود را  
فراموش مینمایند اینطور اشخاص علاوه بر اینکه  
حق شناس نیستند اگر بتوانند بدوستان خود آزار  
هم میرسانند .

میناجان یادت هست یک روز در منزل ما بودی  
بدرم یک کتاب پند و اندرز بمن داده بود که تو  
گفتی چه کتاب خوبی است در صفحه پنج کتاب  
نوشته بود کبر و نخوت : خودخواهی و منیت - بدجنسی  
و خشونت : بالیدن بمختصر تغییر مقام کار خردندان  
نیست : هر کس دلش از نور معرفت و دانش کمال  
و فضیلت تهی است تهی مغز است : بر تهی مغز بچی

# گنجشک

## کلمه اول

اسیر چنگال بیرحمه انه  
خود کنی؟! تله گفت:  
نه تنها صوفی دام تزویر

صیادی تله نهاد و دانه بیفشاند و خود در کمین صید بنشست ، گنجشکی فرا رسیده در کنار تله فرو نشسته از او پرسید ؟ چرا از تن ها کناره گرفته در این بیابان بتهنایی خو کرده ای ؟

گفت : از آنرو که عزت اندر عزت آمده و از تن ها هر دم بلاها خیزد و خواستم من از شر آنان و آنان از زحمت من در امان باشیم . گنجشک با تعجب بدو نگریسته گفت : آفرین بر تو ، بگو بدانم از چه رو خاک نشینی ؟ گفت : از روی فروتنی و از آنرو که از آن آفریده شده و بسوی آن باز خواهیم گشت . گنجشک گفت : احسنت ، چرا زار و نحیف و لاغر اندامی ؟ گفت : غم همگان و اندوه بیچارگان مرا چنین زار و زار کرده است . گنجشک - این چوب که در میان داری چیست ؟ تله - عصای من است که از ضعف بدان تکیه کنم . گنجشک این گندم که در نزد تو ریخته برای کیست ؟

تله - این فزونی غذای من است که برای فقیری گرسنه یا رهگذری از خانمان باز مانده نگهداشتم گنجشک گفت : من رهگذری گرسنه ام اجازه میدهمی از آن بخورم ؟ گفت بفرمائید مانعی نیست ، همینکه منقار گنجشک فرود آمد تله گلوی او را محکم بگیرت !!! بیچاره در حیرت فرو مانده و از غدر و حيله او سخت بشکفت و گفت : بدحيله ای بکار بردی و زشت خوئی برای خود بر گزیدی . مگر ندانستی که لسان غیب می خوردن را که سر آمد همه گناهان است بردام تزویر نهادن ترجیح داده بدان فتوی میدهد و از این منع میکند و تمام عقلاء نیز این رأی رامیسمند ؟ چرا صوفی وار دام نهاده سر حقه را باز و و بنیاد مکر کردی تا جانوری را که همه بر بی آزاری او گواهند و بحکم طبیعت بتحصیل روزی خود و متکفلین برداخته

مینهدا گرنیکو بنگری خواهی دید که همه تزویر میکنند و تو میدانی که امروز هر کس تزویر نکند او را بیعرضه میدانند و از همه حقوق اجتماعی محروم . در اینحال صیاد برسد و تله از گنجشک برداشته او را بگیرت .

گنجشک در اندیشه فرو رفته با خود گفت چه نیکو گفته اند حکماء «آنکس که تهور کند بشیمان و آنکه احتیاط کند سالم ماند» . اکنون من چگونه از دست این صیاد خلاصی یابم و بچه تدبیر از این تقدیر فرار کنم؟! در اندیشه فرو رفته و راه نجات را چاره میجست . بس سر بر آورد و با صیاد گفت : ای مرد سخنانی چند از من بشنو باشد که ترا بدان سودی رسد سپس بدانچه خواهی با من رفتار کن .

صیاد از سخن گنجشک تعجب کرده گفت : آنچه میخواهی بگو . گنجشک گفت : بر هیچ خردمندی پوشیده نیست که کسی از خوردن من سیر شود و فریبی نیابد اگر ترا در حکمت رغبتی است من سه کلمه از حکمت بتو بیاموزم که هر یک تو را سودی فراوان دهد بشرطیکه از سودای خوردن من بگذری و مرا را کنی بدین ترتیب که یکی را تا دردست توام گویم و دومی را گاهی که مرا